

الحمد لله
البرحمين



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

با عنوان:

تأثیرات متعارض جهانی شدن سیاست بر رویکرد سیاست خارجی ج.ا.ایران:

بررسی مقایسه ای دو دوره خاتمی و احمدی نژاد

استاد راهنما:

دکتر ابوالفضل دلاوری

استاد مشاور:

دکتر غلامرضا محمد جواد کاشی

استاد داور:

دکتر حشمت الله فلاحی پیشه

پژوهشگر:

مصطفی اسماعیلی

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم به

پیشگاه پدر و مادرم

که

رسم صداقت، بردباری و آزادگی

به من آموختند

تقدیر و تشکر

از استاد بزرگم جناب آقای دکتر دلاوری که فراتر از یک استاد راهنما در نگارش این

پایان نامه راهنمایی نمودند، تشکر و قدردانی مینمایم و از اساتید محترم جناب آقای دکتر

کاشی جهت قبول مشاوره این پایان نامه و جناب آقای دکتر فلاحی پشته جهت

قبول داوری آن کمال تشکر را دارم.

همچنین از دوستان عزیزم، آقای علیرضا مطلبی نژاد و شاهین کریمی که در تدوین این

پایان نامه یاریم نمودند، سپاسگذارم.

چکیده

در این پژوهش سعی کردیم تا نشان دهیم که جهانی شدن دارای دو پیامد متعارض و متفاوت میباشد که از یکسو باعث میگردد تا دولت ها در سیاست خارجی خود رویکردهای همگرایانه (همسو) اتخاذ نمایند و از سوی دیگر رویکردهای واگرایانه (ناهمسو) در پیش بگیرند. بنابراین جهانی شدن در ابعاد مختلف دارای دو ویژگی متعارض همگرایی و واگرایی میباشد که منجر به اتخاذ رویکردهای همگرایانه و واگرایانه در سیاست خارجی میگردد.

پیامدهای متعارض جهانی شدن در سیاست خارجی ج.ا.ایران در دو دوره خاتمی و احمدی نژاد نمایان میگردد. سیاست خارجی خاتمی در قالب گفتمان صلح گرایی مردم سالار و اصول تنش زدایی و گفتگوی تمدن ها، نمود پیامد همگرایانه جهانی شدن در بعد سیاسی میباشد و سیاست خارجی احمدی نژاد در قالب گفتمان اصول گرایی عدالت محور و اصول عدم تعهد گرایی ارزش محور و تجدیدنظر طلبی هویت محور، نمود پیامد واگرایانه جهانی شدن در بعد سیاسی میباشد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، همگرایی، واگرایی، سیاست خارجی، تنش زدایی، گفتگوی تمدن ها، عدم

تعهد گرایی ارزش محور، تجدیدنظر طلبی هویت محور

فهرست

۱	مقدمه
۱	طرح مسئله
۴	سوال یا سوالات تحقیق
۴	فرضیه یا فرضیه ها
۴	سوابق پژوهش
۱۰	روش تحقیق
۱۰	تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی
۱۳	مشکلات و موانع تحقیق
۱۳	سازماندهی تحقیق
۱۵	فصل اول
۱۵	چارچوب تئوریک
۱۵	مبحث اول: جهانی شدن
۱۹	آثار و پیامدهای جهانی شدن در ابعاد مختلف
۲۰	بعد اقتصادی
۲۵	بعد فرهنگی
۳۳	بعد سیاسی
۴۵	واکنش به جهانی شدن
۴۷	واکنشهای ناشی از منافع
۴۹	واکنشهای ناشی از مسأله هویت
۵۶	مبحث دوم: آثار جهانی شدن بر سیاست خارجی

۵۹	الگوهای سیاست خارجی و واکنش آنها به جهانی شدن
۶۲	سیاست خارجی در فرآیند جهانی شدن
۶۸	فصل دوم
۶۸	ایران در فرآیند جهانی شدن
۶۸	درآمد
۷۰	تأثیرات اقتصادی جهانی شدن بر ایران
۷۴	تأثیرات فرهنگی جهانی شدن بر ایران
۷۷	تأثیرات سیاسی جهانی شدن بر ایران
۸۰	جمع بندی
۸۲	فصل سوم
۸۲	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا پایان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی
۸۲	درآمد
۸۴	اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۹۱	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره انقلاب و جنگ (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷)
۹۸	سیاست خارجی ایران در دوره موسوم به سازندگی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶)
۱۰۰	زمینه های تغییر در سیاست خارجی ج.ا.ایران
۱۰۳	نشانه های تغییر در سیاست خارجی ج.ا.ایران
۱۰۷	جمع بندی
۱۰۹	فصل چهارم
۱۰۹	جهانی شدن و سیاست خارجی خاتمی
۱۰۹	زمینه های روی کار آمدن خاتمی
۱۱۱	گفتمان سیاست خارجی خاتمی

۱۱۳	اصول سیاست خارجی خاتمی و جهانی شدن
۱۳۱	جمع بندی
۱۳۲	فصل پنجم
۱۳۲	جهانی شدن و سیاست خارجی احمدی نژاد
۱۳۲	زمینه های روی کار آمدن احمدی نژاد
۱۳۵	گفتمان سیاست خارجی احمدی نژاد
۱۳۹	اصول سیاست خارجی احمدی نژاد و جهانی شدن
۱۴۸	جمع بندی
۱۵۰	فصل ششم
۱۵۰	مقایسه دو رویکرد سیاست خارجی ج.ا.ایران (خاتمی و احمدی نژاد) نسبت به جهانی شدن
۱۵۲	مقایسه سیاست خارجی خاتمی و احمدی نژاد در بستر جهانی شدن اقتصاد
۱۵۵	مقایسه سیاست خارجی خاتمی و احمدی نژاد در بستر جهانی شدن فرهنگ
۱۵۷	مقایسه سیاست خارجی خاتمی و احمدی نژاد در بستر جهانی شدن سیاست
۱۶۲	نتیجه گیری و پیشنهادات

طرح مسئله

امروزه جهانی شدن از جمله مسائل و پدیده هایی است که در همه جا توجه زیادی را به خود جلب کرده است. جهانی شدن فرآیندی چندبعدی و پیچیده است که در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نمود می یابد. توجه به این فرآیند در سیاست دولتها بویژه در سیاست خارجی از اهمیت بالایی برخوردار است. جهانی شدن به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای بین المللی وضعیتی را بوجود آورده است که کشورها یا واحدهای سیاسی در پیگیری سیاست خارجی ملزم و مجبور هستند تا به نتایج حاصل از آن توجه کنند و ابعاد و پیامدهای آنرا در رویکردها و عملکردهای خود داخل نمایند. این فرآیند (جهانی شدن) در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باعث میگردد تا دولتها از یکسو در سیاستهای خود بویژه در سیاست خارجی رویکردهای همسو با این پیامدها را اتخاذ کنند و از دیگر سو در جهتی معکوس، رویکردهای ناهمسو با این فرآیند در پیش بگیرند.

سیاست خارجی، استراتژی یک کشور برای کسب اهداف ملی برحسب منافع ملی میباشد که در برگیرنده ابتکار عمل آن کشور یا واکنش به ابتکار عمل دیگر کشورهاست. از جمله مهم ترین متغیرهای موثر در سیاست خارجی یک کشور عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، فرهنگ، نیازهای داخلی و بالاخره نظام بین الملل که از میان آنها متغیرهای بین المللی به مراتب نقش تعیین کننده تری در سیاست خارجی دارند.

سیاست خارجی ج.ا.ایران در سی سال گذشته فراز و فرودها و تغییرات زیادی داشته است. در عین حال که در طی این دوره برخی از اصول بنیادی و ماهوی سیاست خارجی ایران مانند استقلال طلبی سیاسی، سلطه ستیزی، مبارزه با استکبار، حمایت از مسلمانان و مستضعفان همواره ثابت بوده و تداوم داشته است، در هر یک از برهه ها بسته به شرایط داخلی و خارجی گرایش های مختلفی بر قوه معجزیه حاکم بوده است.

پیروزی انقلاب اسلامی باعث گردید تا سیاست خارجی ایران در قالب گفتمان هژمونیک اسلامی تنظیم گردد. نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبار‌ستیزی و حمایت از مستضعفان از جمله اصول این گفتمان در سیاست خارجی بود. بدین ترتیب در بطن گفتمان اسلامی، سیاست خارجی در چارچوب نظام معنایی آن شکل گرفت. دولت (کابینه) های بعد از انقلاب اسلامی هر کدام رویکردهای مختلفی را در سیاست خارجی در پیش گرفتند که به تعریف آنها از منافع ملی و دیدگاه آنها به نظام بین‌الملل بستگی داشت. در دولت بازرگان سیاست خارجی ایران در قالب نوعی ملی‌گرایی لیبرال تعریف میشد که بر اساس آن منافع ملت ایران بر مصالح امت اسلام اولویت و ارجحیت داشت. در این گفتمان، انقلاب اسلامی ایران در پی تغییر نظم و نظام بین‌الملل موجود نبود.

با استعفای دولت بازرگان، ج.ا.ایران رویکرد رویارویی آرمان‌گرایانه (رمضانی، ۱۳۸۰: ۴۲) را در سیاست خارجی خود در پیش گرفت. این رویکرد وجهت‌گیری هنجارها و اصول پایه‌ای رفتارهای دیپلماتیک و حقوق بین‌الملل را به مبارزه و رویارویی می‌طلبید. در این دوره آرمان‌گرایان در پی استقرار فوری نظم و نظام اسلامی از طریق تغییر فوری و بنیادی نظام بین‌الملل موجود بودند. این ذهنیت تا پایان جنگ ایران و عراق به قوت خود باقی بود.

دولت هاشمی رفسنجانی رویکرد جدیدی در سیاست خارجی آغاز کرده بود که به واقع‌گرایی اسلامی یا سازش-جویی واقع‌بینانه (دهقانی، ۱۳۸۸: ۲۲۰) معروف است. در این دوره بر مفهوم موسع‌تر مصلحت و نقش گسترده عقلانیت در تدوین و تدبیر سیاست خارجی تاکید میشد و با واقعیت‌های نظام بین‌الملل به نحو عقلانی سازش صورت می‌گرفت که در واقع واکنشی بود به انزوای ایران در نظام بین‌الملل و مقدمه‌ایست برای بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ ایران و عراق.

با انتخاب محمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور ایران رویکرد جدیدی در سیاست خارجی ایران اتخاذ گردید که به گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار (دهقانی، ۱۳۸۸: ۲۲۴) معروف بود. در این گفتمان منافع و اهداف امنیتی و اقتصادی

ج.ا.ایران بر منافع معطوف به نظم جهانی وایدئولوژیک اولویت و تقدم دارد. از نظر این گفتمان نیز نظم و وضع موجود بین المللی ناعادلانه و نامطلوب است ولی جهت استقرار نظم عادلانه جهانی باید بر اصول تنش زدایی، اعتماد-سازی، همزیستی مسالمت آمیز، احترام متقابل، گفتگو و منطق مفاهمه اقدام کرد. ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد گفتمان جدیدی را وارد سیاست خارجی ایران نمود که به اصولگرایی عدالت محور (دهقانی، ۱۳۸۸: ۲۲۹) معروف شد. از منظر این گفتمان نظم و نظام بین الملل موجود کاملاً ناعادلانه، نامشروع و نامطلوبست و باید برای اصلاح و تغییر ساختاری، نهادی و هنجاری آن تلاش کرد.

تا قبل از دو دوره خاتمی و احمدی نژاد شاهد یک سیر ملایم و آرام از تغییر رویکردها در سیاست خارجی ج.ا.ایران هستیم و این سیر آرام علاوه بر متأثر شدن از شرایط داخلی، پاسخی به شرایط بین المللی است. اما در دو دوره اخیر شاهد دو رویکرد متعارض و متفاوت از هم میباشیم. این دو رویکرد متعارض و متفاوت از هم، متأثر از چه عواملی است؟ چه عواملی باعث میگردد تا جهت گیری های همسو و ناهمسو نسبت به نظام بین المللی در دو برهه از سیاست خارجی ایران ظهور نماید؟ سیاست خارجی در این دو دوره از یکسو (دوره خاتمی) بر اساس گفتمان صلح گرایی، با ابزارهای گفتگو و مفاهمه با نظام بین الملل روبرو میشود و از دیگر سو (دوره احمدی نژاد) بر اساس گفتمان عدالت محوری در تلاش برای تغییر نظام بین المللی است.

پیشتر اشاره کردیم که جهانی شدن به عنوان یک متغیر تأثیر گذار خارجی در سیاست خارجی کشورها اهمیت دارد و تأثیرات آن باعث میگردد تا کشورها در سیاست خارجی خود رویکردهای همسو یا ناهمسو را اتخاذ نمایند. در واقع مسئله اینجا نمایان میگردد که آیا بین تأثیرات جهانی شدن و رویکردهای متعارض بوجود آمده در دو دوره اخیر سیاست خارجی ایران (خاتمی و احمدی نژاد) رابطه ای وجود دارد؟ این گرایشات متعارض (همگرایی و واگرایی) تا چه حد متأثر از جهانی شدن میباشد؟

سوال یا سوالات تحقیق

آیا میان ابعاد و پیامدهای متعارض جهانی شدن سیاست و رویکردهای متفاوت سیاست خارجی ج.ا.ایران در دو دوره خاتمی و احمدی نژاد ارتباط معناداری وجود دارد؟

فرضیه یا فرضیه ها

پیامدهای متعارض جهانی شدن سیاست در سیاست خارجی ج.ا.ایران بازتاب داشته و همگرایی در دوره خاتمی و واگرایی در دوره احمدی نژاد را تقویت کرده است.

سوابق پژوهش

در بررسی سوابق و ادبیات این پژوهش میتوان آثار موجود در این زمینه را به سه دسته تقسیم کرد:

الف- آثاری که به بررسی تأثیرات جهانی شدن بر ایران میپردازد:

۱- ایران، فرصت ها و چالش های جهانی شدن، هادی زمانی^۱

در این اثر به بررسی مشخصات جهانی شدن در زمینه های تجارت، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، گردش سرمایه مالی، سیستم تولید جهانی و تکنولوژی پرداخته شده است. نویسنده با ارائه آمار و ارقام بر این باور است که در اثر جهانی شدن پروسه های تولید، توزیع و مصرف دگرگون گشته و ساختارهای اقتصادی دستخوش تغییرات بنیادین شده است. وی بر این باور است که طی ۲۵ سال اخیر، ایران روند نزولی را در پیشرفت اقتصادی تجربه کرده است. چرا که طی این مدت نرخ رشد اقتصادی از ۱۰٪ در سال به ۲/۶٪ کاهش یافته، نرخ بیکاری ۲/۵ برابر شده و درآمد سرانه ۴۰٪ کاهش یافته است. هرچند که طی سالهای اخیر تلاشهایی در جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی صورت

^۱- هادی زمانی، ایران، فرصت ها و چالش های جهانی شدن، تهران، انتشارات بال، ۱۳۸۴

گرفته اما همچنان فاقد یک استراتژی و برنامه مناسب برای مقابله با چالشها و بهره برداری از فرصت های روند جهانی شدن میباشد.

این اثر جهانی شدن را به طور ویژه در بعد اقتصادی مورد بررسی قرار داده و از تأثیرات و پیامدهای فرهنگی و سیاسی جهانی شدن بر ایران غافل مانده است. چرا که بررسی همه ابعاد جهانی شدن بر ایران ضروری است. تأثیرات فرهنگی و سیاسی در ایران با واکنشهای مختلفی هم از سوی جامعه و هم از سوی نخبگان حاکم روبرو شده است.

۲- ایران و جهانی شدن، محمود سریع القلم^۱

سریع القلم در این اثر علاوه بر بررسی مباحث نظری، به تبارشناسی برخورد نخبگان حاکم با فرآیند جهانی شدن میپردازد و بر این باور است که همواره از زمان قاجار تا قبل از انقلاب اسلامی برخی از نخبگان حاکم در مقابل پیامدهای جهانی شدن در ایران مقاومت میکردند. وی معتقد است که ج.ا. ایران یک پدیده اقتصادی نسبت و با آمار و ارقام نشان میدهد که از پیوستن به اقتصاد جهانی دور مانده است.

۳- تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران، آرمان زارعی^۲

زارعی در این اثر معتقد است که جهانی شدن در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دارای فرصتها و چالشهایی برای دولتها میباشد. سپس به بررسی پیامدهای آن بر فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران از سال ۶۸ تا ۸۴ میپردازد. منظور نویسنده از نخبگان سیاسی تشکلهای سیاسی از جمله جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت میباشد. و مبنای نگرش و دیدگاههای این تشکلهای نیز بیانیه ها و اطلاعیه های آنها میباشد. نویسنده پس از بررسی داده ها به این نتیجه میرسد که جهانی شدن با فراگیر کردن گفتار دموکراسی

^۱ - محمود سریع القلم. جهانی شدن و ایران، راه حل ها و چالش ها. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴

^۲ - آرمان زارعی. تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات باز. ۱۳۸۸

وارزشهای آن موجب برجسته تر شدن نگرش و گرایشات دموکراتیک در میان نخبگان ایرانی در فاصله بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ شده است.

ب- آثاری که به بررسی سیاست خارجی ایران میپردازد:

۱- سیاست خارجی ج.ا.ایران، سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۱

دکتر دهقانی در این اثر منابع سیاست خارجی ج.ا.ایران را بدین ترتیب نام می‌برد: منابع فردی، منابع نقش‌گرایانه، منابع حکومتی، منابع ملی، منابع خارجی

وی در قسمت منابع خارجی به ماهیت نظام بین‌الملل اشاره میکند و ویژگی‌های آن را آنارشی، وابستگی متقابل و جهانی‌شدن و گفتمان‌های بین‌المللی میداند.

وی ضمن برشمردن اصول، منافع و اهداف ج.ا.ایران به گفتمان‌های سیاست خارجی ج.ا.ا اشاره میکند و سیاست خارجی دولت موقت را در قالب گفتمان ملی‌گرایی لیبرال جای می‌دهد اما گفتمان‌های بعد از دولت موقت در درون ابرگفتمان اسلام‌گرایی انقلابی جای می‌گیرد از قبیل: آرمان‌گرایی امت‌محور (۶۳-۱۳۶۰)، مصلحت‌گرایی مرکز-محور (۶۸-۱۳۶۳)، واقع‌گرایی اسلامی (۷۶-۱۳۶۸)، صلح‌گرایی مردم‌سالار (۸۴-۱۳۷۶) و اصول‌گرایی عدالت-محور (...-۱۳۸۴).

۲- چارچوبی برای بررسی سیاست خارجی ج.ا.ایران، روح‌الله رمضانی^۲

^۱ سید جلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.

^۲ روح‌الله رمضانی، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ج.ا.ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

روح‌الله رضائی در این اثر و در فصل دوم با عنوان "سیاست خارجی ایران، سمت‌گیری‌های متعارض" از سیاست خارجی مهندس بازرگان با عنوان عدم‌تعهد ملت‌گرایانه نام میبرد و معتقد است که این سیاست خارجی بر چهار رکن تاریخ، موقعیت ژئوپولیتیک کشور، آرمان‌های معنوی و انسانی اسلام و اصل مقابله‌به‌مثل کامل در مناسبات با دیگر کشورها استوار است. سپس به دوره سازندگی اشاره میکند که زمینه‌های آن از قبل فراهم آمده بود و از این دوره به سازش‌جویی واقع‌بینانه یاد می‌کند و بر این باور است که ایران در دوره خاتمی خواستار نقش‌آفرینی بیشتری در نظام بین‌الملل می‌گردد.

۳- سیاست خارجی دولت اصلاحات، موفقیت‌ها و شکست‌ها، بیژن اسدی^۱

اسدی در این کتاب ضمن اشاره به ساختارهای سیاست خارجی ج.ا.ایران، اشاره‌ای به اصول و اهداف سیاست خارجی دولت‌های قبل از خاتمی می‌کند و سپس این سوال اصلی را مطرح می‌کند که: با توجه به نگرش جدید سیاست خارجی متحول و پویای ایران در دوران حکومت خاتمی چه تغییر و تحولاتی در کیفیت روابط خارجی این کشور با کشورهای منطقه خلیج فارس و نیز آمریکا ایجاد شده است؟

فرضیه‌ای که برای این سوال مطرح می‌کند اینست که نگرش جدید و متحول سیاست خارجی ایران در دوران حکومت خاتمی با جلب اعتماد و اطمینان کشورهای منطقه نقش موثری در بهبود و توسعه مناسبات سیاسی-اقتصادی فی‌مابین داشته است.

^۱ - بیژن اسدی، سیاست خارجی دولت اصلاحات: موفقیت‌ها و شکست‌ها، چاپ اول، تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۷

ج- آثاری که به بررسی تأثیرات جهانی شدن بر سیاست خارجی ایران میپردازد:

۱- تأثیر جهانی شدن بر سیاست خارجی ایران، جواد سوری^۱

۲- تأثیرات جهانی شدن بر سیاست خارجی ایران (با تأکید بر دوره اول ریاست جمهوری خاتمی)، مریم کاظمی^۲

سوری و کاظمی در این دو اثر به بررسی پیامدهای جهانی شدن در سه بعد اقتصادی، سیاسی و ارتباطاتی در دوره خاتمی میپردازد. و بر این باور هستند که الزامات جهانی شدن اقتصاد و تشدید فشارهای بین المللی در نتیجه جهانی شدن ارتباطات-اطلاعات و جهانی شدن حقوق بشر باعث گردید که ایران در این دوره جهت تامین منافع اقتصادی و هماهنگی و همکاری با فرآیند های جهانی شدن و کاهش فشارهای بین المللی و ارتقاء جایگاه خود در نظام بین الملل، سیاست خارجی رادیکال-انقلابی خود را به سمت سیاست خارجی میانه رو (معتدل تر) تغییر جهت جهت دهد. تمامی آثاری که در مورد آثار جهانی شدن بر ایران و تأثیرات جهانی شدن بر سیاست خارجی وجود دارد بر این مفروض استوار هستند که جهانی شدن دارای پیامدهای همگرایانه میباشد و دولتها در مواجهه با آن سعی میکنند رویکرد سیاست های داخلی و خارجی خود را همسو با آن تنظیم کنند در حالیکه در پژوهش حاضر سعی بر اینست که نشان دهیم که جهانی شدن در ابعاد مختلف آن بویژه در بعد سیاسی دارای پیامدهای متعارض میباشد. این پیامدهای متعارض باعث میگردد تا دولتها در سیاست های خود بویژه در سیاست خارجی هم رویکردهای همگرایانه (همسو) و هم واگرایانه (ناهمسو) اتخاذ کنند.

^۱- جواد سوری، تأثیر جهانی شدن بر سیاست خارجی ایران (پایان نامه)، دانشگاه علامه طباطبائی

^۲- مریم کاظمی، تأثیر جهانی شدن بر سیاست خارجی ایران با تأکید بر دوره اول ریاست جمهوری خاتمی، (پایان نامه)، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

اهداف تحقیق

دولت‌ها از روزگاران پیشین با یکدیگر روابط گوناگونی از سیاسی گرفته تا اقتصادی، بازرگانی، نظامی، فرهنگی، و... داشته‌اند. با گسترده‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن این روابط اهمیت آنها به اندازه‌ای افزایش یافته که در جهان امروز طرح ریزی و اجرای سیاست خارجی یکی از وظایف عمده، و به گفته‌ای ضروری‌ترین وظیفه دولت‌ها شده است.

آنچه بیش از هر چیز سیاست خارجی یک کشور را تعیین می‌کند مفهومی است که به منافع ملی معروف شده است. اهمیت منافع ملی در تعیین سیاست خارجی به اندازه‌ای است که میتوان آن را محور سیاست خارجی دانست. تلاش برای درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی کشورها یکی از دل‌مشغولی‌های فکری و ذهنی محافل علمی دانشگاهی است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و تحلیل رفتار و رویکرد آن در میان واحدهای سیاسی دیگر از اهمیت اساسی برخوردار است.

موضوع از آن جهت اهمیت می‌یابد که ایران به عنوان یک کشور جهان‌سومی و در حال توسعه و با هویت اسلامی-ایرانی و حتی انقلابی چه رویکردی در مقابل پدیده‌ای به نام جهانی شدن اتخاذ می‌کند.

سیاست خارجی یک کشور علاوه بر تاثیر گرفتن از عوامل و متغیرهای داخلی از عوامل و متغیرهای خارجی (بین‌المللی) نیز تاثیر می‌پذیرد. نظام بین‌الملل به عنوان یک سیستم پویا و متحول همواره در حال تغییر و دگرگونی است و واحدهای سیاسی تشکیل‌دهنده آن، بدون درک و شناخت کامل آن قادر به تامین اهداف خود نمی‌باشد.

جهانی شدن در همه ابعاد آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی،...) دارای یکسری ملزومات و شاخصه‌ها می‌باشد. که کشورها در رفتار و جهت‌گیری خود در سیاست خارجی باید به آنها توجه داشته باشند. تحلیل یک کشور از این وضعیت و به کارگیری آن در ارتباط با سایر کشورها از اهمیت اساسی برخوردار است.

هدف و انگیزه از این مطالعه و بررسی پی بردن به رویکرد و جهت‌گیری سیاست خارجی ج.ا.ایران در عصری می‌باشد که به جهانی شدن معروف است. و به طور خاص در پی بررسی این موضوع هستیم که آیا میان ابعاد و پیامدهای متعارض جهانی شدن سیاست و رویکردهای متفاوت سیاست خارجی ج.ا.ایران در دو دوره خاتمی و احمدی نژاد ارتباط معناداری وجود دارد؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی از نوع تبیین علی است و تأثیر متغیر اول (جهانی شدن) بر متغیر تابع (سیاست خارجی) تأثیر علی تامه دانسته نمی‌شود بلکه جهانی شدن به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش از مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی

جهانی شدن: جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشردگی زمان و مکان در زیست جهان انسانی که در جریان آن افراد و جوامع در گستره‌ای جهانی با یکدیگر پیوند می‌خورند. این پیوند شامل ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی و به ویژه ارتباطاتی است. در عصر جهانی شدن محیط داخلی، جهانی می‌شود و جهانی محلی.

جهانی شدن سیاست: مقصود از جهانی شدن سیاست این است که مسائل و مباحثی که قبلاً به حوزه داخلی و حیطة حاکمیت دولتها تعلق داشتند با گذشت زمان ابعاد جهانی بیشتری پیدا می کنند. عامل نوین در عصر جهانی شدن سیاست در این امر نهفته است که ساختارهای همکاری در حوزه های داخلی و خارجی و ساختارهای تعارض در حوزه های داخلی و خارجی شکل گرفته و میگیرند.

ابعاد متعارض جهانی شدن سیاست: در فرآیند جهانی شدن سیاست ما به دورانی قدم میگذاریم که اساساً هویتها ثابت نخواهند بود و نسبت میان افراد با گروههای مرجع، خواه شخص، گروههای اجتماعی یا ملیتها دائماً دستخوش دگرگونی است. بنابراین در مقابل فرآیند یکسانی، فرآیند تکثر نیز حضور دارد. نزدیک شدن فضا و مکان باعث شناخت دقیق تر و شفاف تر شدن تفاوتها گشته است و قدرتمندتر شدن انسانها هویت های خفته و غیر فعال را به کانون های جدید معنی بخشی برای بسیاری تبدیل کرده است و از این مسیر، وفاداری های جدید خود در مواقعی عامل تعارض و ستیزهای اجتماعی شده است. در یک کلام فرآیند جهانی شدن سیاست در عین حال که باعث همگرایی می گردد و اگرایی را نیز با خود به همراه دارد.

همگرایی در فرآیند جهانی شدن سیاست : همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجماع جدید می رسند. فرآیند یا فرآیندهای دخیل در آن نیز عبارتند از وسایل و ابزاری که این اجماع از طریق آنها حاصل میشود. نیروهای سیاسی و اجتماعی از طریق اجماع و به صورت داوطلبانه بر سر ملزومات جهانی شدن سیاست به توافق می رسند و بیش از پیش و به صورت یکپارچه در این فرآیند مشارکت می کنند. و آن را در جهت منافع خود یا منافع ملی کشور خود میدانند.

واگرایی در فرآیند جهانی شدن سیاست : در فرآیند جهانی شدن سیاست که به فروپاشی مرزهای ملی می‌انجامد و مسائل داخلی و خارجی در هم می‌آمیزد، نیروهایی بوجود می‌آید که از وارد شدن به درون این فرآیند هراس دارند و آن را به زیان خود یا منافع ملی می‌بینند، بنابراین در مقابل آن واکنش نشان می‌دهند که به آن واگرایی گفته می‌شود.

سیاست خارجی : سیاست خارجی یک راهبرد یا جهت‌گیری طراحی شده عملی است که توسط تصمیم‌گیرندگان یک دولت در برابر سایر دولت‌ها یا موجودیت‌های بین‌المللی اتخاذ می‌گردد.

سیاست خارجی ج.ا.ایران : ج.ا.ایران بر اساس ماهیت، هویت، اصول، منافع، اهداف و تصور و تلقی خود از نظام بین‌الملل، راهبرد عدم تعهد مبتنی بر اصل نه شرقی نه غربی را برای سیاست خود برگزید. از این رو سیاست خارجی ج.ا.ایران بر اساس عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر استوار است.

به طور کلی بر اساس قانون اساسی، نهادهای زیردر فرآیند و ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی حضور دارند: (۱) نهاد رهبری (۲) قوه مجریه شامل رئیس‌جمهور، هیأت‌وزیران، وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه‌های ذیربط (۳) قوه مقننه شامل مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان (۴) مجمع تشخیص مصلحت نظام (۵) شورای عالی امنیت ملی (۶) نیروهای مسلح و بویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۷) قوه قضائیه

سیاست خارجی خاتمی: شامل دو اصل تنش زدایی و گفتگوی تمدن‌ها می‌باشد: «تنش زدایی» (Detente) یک اصطلاح دیپلماتیک است که مبتنی بر کاهش مشکلات یا تنش‌های موجود در روابط بین دو یا چند کشور است. مفهوم تنش زدایی توصیف‌کننده موقعیتی ویژه است که در یک دوران خاص باعث کاهش و تعدیل موارد اصلی مورد اختلاف و تنش میان کشورها خواهد شد. و گفتگوی تمدن‌ها که در مقابل نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون